

فرهنگ

روزگار

سه‌شنبه

سه‌شنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۳

شماره

شماره ۴۳۳

شماره

FARHIKHTEGANDAILY.COM

شماره

FARHIKHTEGANONLINE

روزگار

روزگار

روزگار

روزگار

روزگار

روزگار

روزگار

«فرهیختگان» از برنامه «سرزمین شعر» شبکه ۴ گزارش می‌دهد

ایران تمدنی؛ ایستاده باشع



مریم فضائی

خبرنگار گروه فرهنگ

این روزها در فضای مجازی ممکن است مطالب زیادی درخصوص پخش سریال‌های روز دنیا از شبکه ۴ سیما دیده باشید. کاربران فضای مجازی از این موضوع استقبال کرده و به آن واکنش نشان داده‌اند. شبکه‌ای که فارغ از هرگونه هیاهو و جنجال همان هدفی که برایش تدوین شده را پیش می‌برد، ممکن است در طول این سال‌های فعالیت نتوانسته باشد همه این اهداف را محقق کند اما ساخت برنامه در حوزه فرهنگ و ادب یکی از این اقدامات است که با برنامه «سرزمین شعر» در این یک سال اخیر محقق شده است. به بهانه ۲۷ شهریور، روز شعر و ادب فارسی به این برنامه پرداختیم و نقاط قوتش را بررسی کردیم.

از اواخر زمستان سال ۱۴۰۲ برنامه روز شعر و ادب فارسی در کنار آنتور شبکه چهار قرار گرفت. گفته می‌شود این برنامه اولین رقابت تخصصی در حوزه شعر است. برنامه‌ای که مشابه خارجی در کشورهای عربی هم دارد و بسیار

محمد کاظم کاظمی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

«سرزمین شعر» به دیده شدن شعر افغانستان کمک کرد

شاعران جوان ما شعرهای زیادی در موضوعات مختلفی مانند مادر، پدر، جنگ، مقاومت و عشق سروده‌اند، اما بسیاری از مردم در مواقع نیاز ناچارند به همان شعرهای معروف شاعران قدیم مراجعه کنند. در واقع ارتباط مستقیمی بین تولید شعر معاصر و رسانه و مردم وجود ندارد. تنها افرادی که به‌طور خاص علاقه‌مند هستند، از طریق کتاب‌ها با شعر امروز آشنا می‌شوند که تعدادشان بسیار کم است.

به‌عنوان داور، وقتی می‌خواستید شعر شرکت‌کننده‌ها را ارزیابی کنید، چه معیاری برای دادن یا ندادن امتیاز داشتید؟
در وهله اول قوت شعر مهم بود. اینکه شعر تا چه اندازه از تکنیک و هنرمندی شاعرانه بهره‌برده باشد و شاعر چقدر در انتقال عواطف و معانی شعر توانمند و موثر بوده است. موضوع شعر، یعنی اینکه شعر در چه زمینه‌ای سروده شده، در اولویت دوم قرار داشت. به این معنی که شعرهایی که در یک موضوع خاص سروده می‌شدند، لزوماً مقام بالاتری نمی‌آوردند و شعرهایی با موضوعات دیگر، مقام پایین‌تری کسب نمی‌کردند. ملاک اصلی برای ما، توانایی شاعر در پرداختن به موضوع و استفاده از امکانات زبان و ابزارهای هنری بود.

می‌توان گفت شما به‌عنوان شاعری افغانستانی، یکی از نقاط روشن این برنامه هستید که در کنار شاعران ایرانی قرار گرفتید، بعد از پخش برنامه چه بازخوردهایی از مردم ایران و افغانستان دریافت کردید؟
بازخوردها عمدتاً مثبت بوده‌اند. با توجه به اینکه من تجربه داوری شعر داشتم غالباً هر بازخوردی که از دوستان شاعر ایرانی گرفتم، معمولاً مثبت بوده است. خیلی وقت‌ها شخص با وجود اینکه نتیجه داوری ممکن است رسانه‌ای را جست‌وجو کنند ولی شبکه چهار، شبکه‌ای است که می‌توان امیدوار بود مطلقاً به تخصص یک امر مثل ادبیات بپردازد.»
یکی از نقد‌هایی که به سرزمین شعر وارد است، حضور شاعران شناخته‌شده به‌عنوان شرکت‌کننده است و با طرح این سوال از تهیه‌کننده، او گفت: «تعداد زیادی از شاعرانی که به‌خصوص در فصل دوم حضور دارند، جزء متولدان دهه ۱۳۷۰ هستند. در یک مسابقه شعر، شاعری باید شرکت کند که از حداقل‌های آگاهی از اصول شعر و ادبیات بهره‌مند باشد و مخاطب هم در شنیدن یک شعر خوب بتواند از این برنامه لذت ببرد. این یک برنامه آموزشی نیست، شاید مثلاً شبکه آموزش یا شبکه‌های دیگری با حتی مثلاً الگوهای مختلفی در رسانه‌های دیگر هست که فرصتی برای طبع آریزمایی با آموزش شاعری باشد ولی سرزمین شعر در تعریف اولیه و الگوی رسانه‌ای‌اش متعهد بوده شاعرانی را انتخاب کند که هم مخاطب از شنیدن شعرشان لذت ببرد و هم یک رقابت همگن باشد.»

زارعان درباره بازخوردهایی که با پخش «سرزمین شعر» در این دو فصل داشته‌اند، گفت: «وقتی پخش فصل اول شروع شد، به‌رحال تا جای خود را بین مخاطب باز کرد، چند قسمتی طول کشید، اما وقتی حجم اشعار ارسالی توسط ایمیل از عدد سه هزار هم گذشت یا مشتاقان این برنامه در فضای مجازی هر شب تعداد بیننده‌ها را بالا و بالاتر بردند؛ به‌طوری‌که مثلاً ویدئوی آقای موسی عصمتی توانست ۱۵ میلیون بار تماشا شود، ما را به این آینده‌ای اتفاق، امیدوارتر کرد.»

زارعان درباره تداوم ساخت سوم برنامه هم گفت: «ما فصل دوم را تمام کردیم، حالاً مشغول مونتاژ و پخش هر شب این برنامه هستیم. تقریباً در هر هفته ۲۳ بار سرزمین شعر از آنتن پخش می‌شود و فکر می‌کنم بتواند

توجه قرار بدیم. در این دو فصل کشور افغانستان به دلیل قرابت بیشتر با ایران، توانست شعر خودش را به سرزمین شعر وارد کرده و مخاطب ایرانی را با آن آشنا کند اما همچنان جای کار بسیاری برای این موضوع وجود دارد. در نمایشگاه کتاب سال ۱۴۰۲ که تاجیکستان به‌عنوان میهمان ویژه این نمایشگاه انتخاب شد، نویسندگان و شاعرانی که از این کشور آمده بودند، دغدغه‌شان شناخته شدن از سمت مخاطب ایرانی بود؛ کاری که در این برنامه می‌تواند به شکل مناسبی انجام بگیرد.

۲. علاوه بر تنوع در شاعران، تنوع در مضامین شعری موضوع دیگری است که مورد توجه قرار گرفته اما باز هم جای کار بسیار دارد. محمدکاظم کاظمی، از داوران این برنامه در صفحه شخصی‌اش درباره تنوع شعری این برنامه نوشته: «تلاش تهیه‌کننده و داوران و سرگروه‌ها بر این بود که تا حد مقدورات رسانه، دایره محتوایی شعرها گسترده باشد.» این اتفاق باعث می‌شود ظرفیت استفاده از شعر گسترش پیدا کند و برای مناسبت‌های گوناگون شعرهای خوب و متنوعی آماده شود.

۳. شاید سال‌ها از زمانی که برای اولین بار نام علیرضا افتخاری به‌عنوان

روزگار

برایش سخت یا حتی غیرقابل‌پذیرش باشد (یعنی شخص فکر می‌کند شعرش بهتر از شعر دیگری بوده) ولی بازخورد عمومی شاعران در مقابل این آراء، بسیار محتروانه بوده و پذیرندگی داشتند و با احترام این نظر را پذیرفتند. بهترین بازتاب و بازخوردی که داشتیم، با حضورمان در برنامه‌های ایرانی از جانب جامعه افغانستان بود. بسیاری از مردم ما به خاطر حضور در این برنامه، تلویزیون تماشا می‌کردند و حتی از کشورهای دیگر و در فضای مجازی بازتاب‌های بسیار مثبتی داشتیم. برای مردم خوشایند بود که تمام قلمداران زبان فارسی در این برنامه دیده شده‌اند. افغانستان هم جایگاه ویژه‌ای در شعر فارسی داشته و شاعران خوبی دارد؛ این در برنامه دیده شده بود. در واقع ما (افغانستانی‌ها) ارمنانی از شعر افغانستان و مسائل کشورمان برای مردم ایران داشتیم که بازتاب آن، به‌خصوص در فضای مجازی بسیار زیاد بود. بسیاری از مردم افغانستان در جاهای دیگر دنیا پراکنده هستند، آنها کمتر تلویزیون می‌بینند ولی در صفحات اجتماعی بازتاب بیشتری داشته است. عمدتاً مردم افغانستان بیشتر در فیسبوک حضور دارند، در آنجا فقط شعرخوانی احسان بدخشانی در برنامه طرف دو سه روز، حدود ۷۰ بار بازشر و حدود ۳۰ هزار بازدید داشت.

شعرخوانی شاعران هموطن‌تان در برنامه چه حسی برای شما داشت؟
برای من تمام شاعرانی که می‌آمدند و شعر می‌خواندند، دوست‌داشتنی بودند و از شعر خواندن شان لذت می‌بردم. بسیاری از دوستان ایرانی را که می‌آمدند و شعر می‌خواندند از سال‌های قبل، در برنامه‌های فرهنگی و شب شعر دیده و کارهایشان را همیشه تحسین کرده بودیم. منتها شاعران افغانستان که می‌آمدند و شعر می‌خواندند، برای ما بهره‌مضای داشت. هم از شنیدن یک شعر خوب، همچون اشعار شاعران ایرانی لذت می‌بردم و هم اینکه این احساس غربت و این احساسی که داریم که در جامعه ایرانی کمتر چهره ادبیات افغانستان دیده می‌شود (جامعه ایران از چهره ادبی افغانستان به این خاطر که امکانات رسانه‌ای ما کمتر بوده است، کم‌بهره بوده‌اند و کمتر شعر افغانستان را شنیده‌اند) طبیعتاً برایمان خوشایند بود. سرزمین شعر برای دیدن بیشتر شعر افغانستان و دیده شدن بیشتر آن در جامعه و کشور کمک کرد.

برای شما کدام قسمت برنامه جذاب‌تر و خاطره‌انگیزتر بود؟

یکی از لحظه‌های خوشایند برای من، دیدن آقای موسی عصمتی، شاعر خوب خراسانی و روشن‌دل در این برنامه بود که همراه با همسرشان حضور داشتند. حضور وی از این جهت برایم خاطراتی رانده کرد که شاید در اواخر دهه ۷۰، اولین کسی بودم در بین شاعران که در نقد و آموزش شعر، درسی

روزگار

جریان مساعد و مناسبی را در ادبیات انقلاب و ادبیات معاصرمان فراهم کند. تصوم این است که بتوانیم در فصل‌های بعدی افق‌های تازه‌تری را ایجاد کنیم. هم در تعداد شرکت‌کنندگان و هم در تنوع اقلیمی.» او یکی از ویژگی‌های مثبت این برنامه را تنوع اقلیمی دانست و گفت: «ما در فصل‌های اول و دوم از کشور افغانستان شاعران قدرتمند و جزء توانمندی را در جمع خودمان داشتیم. امیدوارم بتوانیم از کشورهای دیگر مثل تاجیکستان، هندوستان و… از حضور شاعرانی استفاده کنیم که به‌صورت موزدی در جای‌جای دنیا مشغول سرایش شعر فارسی هستند و بتوانیم فصل‌های قوی‌تری را پیش ببریم. حضور بانوان در سرزمین شعر بسیار وسیع و جذاب بود و شاید کمتر حضور دختران و زنان هنرمند ایران در یک فرآیند هنری دیده شده باشد.» تهیه‌کننده سرزمین شعر درباره فرآیند انتخاب شرکت‌کننده‌ها گفت: «ما در هر دو فصل یک هیات انتخاب داشتیم. این هیات متشکل از چند نفر از شاعران قوی و توانمند و البته اهل شاگردپوری و تدریس بود، چون افرادی که در جاهای مختلف تدریس می‌کنند و شعر خودشان هم جزء شعرهای شاخص حساب می‌شود، تقریباً ۲،۵ تا سه برابر ظرفیت برنامه، شاعر و شعر پیشنهاد می‌دادند. از هر شاعر دو شعر گرفته می‌شد و اینها را به هیات انتخاب می‌آوردند. هیات انتخاب از بین دو تا ۲،۵ برابر ظرفیت برنامه به یک عدد مشخص می‌رسید، مثلاً در فصل نخست سرزمین شعر ۶۴ نفر بودند و در فصل دوم آن، ۴۰ نفر. انتخاب اولیه توسط هیات انتخاب انجام و بعد از دوستان دعوت می‌شد و به جمع شاعران تشریف می‌آوردند.»

زارعان شعرهای خوانده‌شده در برنامه را اتفاق خواند و گفت: «همه شعرهای خوانده‌شده در سرزمین شعر یک اتفاق است. بعضی‌هایش

داشتم و با ایشان در مشهد آشنا شدم. ایشان در آن زمان، شعرهای خودش را روی نوار ضبط صوت، با آن دستگاه‌های قدیمی خبرنگاری ضبط می‌کرد. آن موقع که امکانات چندانی نبود، نصف این نوار را خالی می‌گذاشت که من شعرش را گوش کنم. بعد، در آن قسمت از نوار که خالی بود، نظر خودم را ضبط می‌کردم. نوار را پیش ما می‌گذاشت و به روستای خودش در سرخس برمی‌گشت. در سفر بعدی که به مشهد می‌آمد، نوار را به ایشان می‌دادم. ایشان با خودش می‌برد و باز بار دیگر که می‌آمد، نوار جدیدی می‌آورد. به این ترتیب ما اولین حشر و نشرمان را با ایشان در دهه هفتاد داشتیم. این همت و پشتکار ایشان که دیدیم در سرزمین شعر هم، همچون شبکه‌های اجتماعی بسیار پرتاب‌کننده ظاهر شد، طبیعتاً برایم بسیار خوشایند بود.

اگر لازم است نکته‌ای در انتها گفته شود، خودتان اضافه کنید.

این برنامه سرمایه‌ای است که برای فضای رسانه‌ای کشور، چه فضای مجازی و چه رسانه ملی ایجاد شده است. به‌گونه‌ای که ما در فصل اول برنامه، حدوداً ۲۰۰ شعرخوانی داشتیم و در فصل دوم، شاید نزدیک به ۱۰۰ شعرخوانی یا بیشتر از شاعران امروز داشتیم. مجموع اینها را با شعرهایی که پشت‌صحنه خوانده شد، نگاه کنیم، بیش از ۴۰۰ شعر از شاعران امروز، عملاً با کیفیت استودیویی بسیار خوب ضبط شده و در اختیار جامعه فارسی‌زبان قرار گرفته است. می‌خواهم روی این موضوع خیلی تأکید کنم که از این به بعد، هر زمانی که به شعر نیاز داشته باشیم برای استفاده رسانه‌ای، استفاده در محافل و مجالس و برای استفاده در صداوسیما این ذخیره و گنجینه ارزشمندی که در سرزمین شعر ضبط و پخش شده، سرمایه بسیار گرانبهایی است و این چیزی است که مسئولان باید قدرش را بدانند و از این برنامه بیشتر حمایت کنند. برای موضوعات گوناگونی شعر سروده شده که می‌شود به مناسبت‌های مختلف از آنها استفاده شود. این سرمایه غنی، چیزی است که واقعاً پشتیبانی بیشتری را می‌طلبد. این را باز به‌عنوان انتقاد یا گلایه از مسئولان محترم نهاد‌های مختلفی مطرح می‌کنم که می‌توانند از این چنین برنامه‌ای حمایت کنند. واقعیت این است که فصل دوم برنامه از لحاظ امکانات، اندکی محدودتر و کمتر از فصل اول برگزار شد، یعنی آن امکاناتی که در فصل اول بود (البته آن هم به نسبت برنامه‌های ورزشی و… خیلی امکانات بالایی نبود) در مجموع امکانات بسیاری نبود. در فصل دوم این باز تقلیل یافت و به همین لحاظ به‌نظم اندکی در کیفیت برنامه هم اثر گذاشت و ممکن است در فصل سوم، رغبت شاعران برای حضور در برنامه کم شود و باعث کاهش کیفیت برنامه شود. با توجه به موضوع و سرمایه‌ای که ایجاد شده، این انتظار را از مسئولان محترم نهاد‌های مختلفی داریم که می‌توانند بیایند و گوشه کار را بگیرند.

روزگار

خارق‌العاده است، بعضی‌ها عجیب و بعضی‌ها جذاب است ولی به نظر من شعرهایی که توانسته ما را به حیرت وادارد، بسیار دوست‌داشتنی است. شاعران کشور افغانستان که در جمع‌مان بودند، تقریباً همه‌شان مرا به حیرت واداشتند و متحیر کردند. در فصل اول شاعری نابینا حضور داشت و شعر زیبایی به نام «پدر» خواند که نه‌تنها هیات داوران، بلکه پشت‌صحنه را هم به اشک کشاند یا در فصل دوم اشعار آقای پوپل که شاعر افغانستانی هستند و شعری جوان‌تری که ظهور تازه‌ای داشته‌اند، ما را به اشتیاق و هیجان رساند.»

او درباره حضور علیرضا افتخاری گفت: «حضور افتخاری فضای خوبی را فراهم کرد. در هر دو فصل ایشان نوعی «مناسب‌خوانی» را که سال‌های سال و در سده‌های دور در مجامع شعر و ادب مرسوم بوده، احیا کردند. به‌خصوص در سبک اصفهان که در آن، وفاداری به شنیده شدن کلمه به کلمه شعر همواره مدنظر بوده و حلالاً حضور افتخاری این موضوع را به ظهور رساند.»

در آخر، زارعیان درباره تغییرات فصل دوم برنامه که به تازگی شروع شده است، گفت: «در فصل اول، ما ظرفیت‌های خیلی خوبی داشتیم اما به‌دلیل سرعتی که در تولید بود کمی مشکلات تصویری و نور داشتیم. فکر می‌کنم در فصل دوم، ارتقای بیش از دوبرابری از لحاظ کیفیت نور و تصویر و عناصر بصری برنامه داشته‌ام که خیلی آن را جذاب کرده. حضور امیرحسین مدرس که هم دانای شعر، هم شاعر، هم خوش‌قریحه و هم مسلط به تمام منابع ادبی ایران است، خیلی به چشم برنامه در فصل دوم کمک کرد. ترکیب داوران هم غنی‌تر شد و همه کمی حرفه‌ای‌تر در صحنه ظاهر شدند. فکر می‌کنم که اینها نقاط‌قوت برنامه بودند.»